هزارو یک شب پسته

بازگویی قصه آب

شاید اگر مسائل و مشکلات صنعت پسته کشور را مروری نماییم نتوان موضوعی بنیادی تر و مهم تر از موضوع اُفت سطح منابع آب زیرزمینی در مناطق پسته کاری کشور و به ویژه استان کرمان یافت.

امروز در مناطق شمالی استان کرمان کمتر باغ پسته ای را می‌توان یافت که نشانه‌هایی از تخریب منابع آب و آسیب جدی به سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را در خود نداشته باشد. نشانه‌هایی که به تدریج به تصویر غالب تبدیل شده و روز به روز نیز بر ابعاد تخریبی آن‌افزوده می‌شود.

این فاجعه در شرایطی رخ داده که کارشناسان و مسئولین خدوم وزارت نیرو با تبعیت از قانون و رعایت قائده «لا ضرر و لا ضرار» از سال ۱۳۵۳، هر نوع بهره‌برداری اضافه از منابع آبی دشت رفسنجان و مدت کوتاهی پس از آن بهره‌برداری جدید در سایر دشت‌های پسته خیز شمال استان کرمان را ممنوع اعلام کردند. مع الاسف مسئولین بعدی در مقاطعی از آن زمان تا کنون تعداد چاه‌های فعال و دارای مجوز را در برخی دشت‌های ممنوعه به ۳ برابر مجوزهای موجود در زمان ممنوعیت، افزایش دادند.

خوشبختانه خدمتگذاران فعلی نظام یعنی هیئت وزیران در مصوبه‌ای در تاریخ ۱۳۸۷/۵/۲۹ وزارت نیرو را مکلف به بازخرید مجوز چاه‌های پروانه‌دار فعال در دشت‌های ممنوعه و بالنتیجه کاهش برداشت ۲۵ درصد از منابع آبی زیرزمینی نموده است. انجمن پسته ایران بر این باور است که تنها راه جلوگیری از ورشکستگی و آوارگی کشاورزان شمال استان کرمان اجرای این مصوبه هیئت وزیران و لغو آیین نامه‌ها ایست که خرید و فروش حقابه‌ها را بین کشاورزان قدغن کرده است.

اولویت بازخرید پروانه چاه‌های فعال می‌تواند با توافق مالکین آندسته از چاه‌ها که باغاتشان بازده اقتصادی نامناسبی دارند، صورت گیرد. دولت می‌تواند با اعطای معوض در مناطق دارای پتانسیل و آزادسازی خرید و فروش پروانه‌های بهره‌برداری موجود در بین باغداران موجبات افزایش بهره‌وری را نیز فراهم آورد.

از زمان صدور تصویب‌نامه هیئت وزیران و بجای فراهم کردن زمینه اجرای آن، نگاهی به واکنش و اظهارات مقامات ملی و استانی وزارت نیرو نشان می‌دهد که این واکنش عموماً در جهت مسکوت گذاشتن آن راهکار و جایگزینی طرح کاهش لیتراژ پروانه ها می باشد. این مسئولین در جهت اجرای برنامه خود انگشت اتهام را متوجه باغداران به عنوان مقصران اصلی این فاجعه خودساخته کرده و پدیده خشکسالی را بهانه ای جهت مجازات بالسویه عموم بهره‌برداران می کنند!!!

برخی از مقامات این وزارتخانه در جهت پاک کردن صورت مسئله تا بدانجا پیش رفته‌اند که حق مالکیت شرعی و قانونی بهره‌برداران بر حقابه خود را زیر سوال برده و بهره‌برداران از قنوات و چاه‌های عمیق را صرفا صاحبان سوراخ‌هایی در زمین دانسته اند!

رویکرد دیگر، دامن زدن به رویای انتقال آب و تأمین آب مورد نیاز کشاورزی استان با طرحهای بلند پروازانه ایست که عدم تحقق آنها پس از قریب سه دهه وعده و وعید و تکرار، خود گویای غیر قابل اجرا بودن آنهاست. طرحهایی نظیر انتقال آب به صورت رودخانه دست ساز از تاجیکستان به کرمان! و یا شیرین کردن آب خلیج فارس و پمپاژ آن به بیش از ۲۸۰۰ متر ارتفاع برای سرازیر شدن به جلگه های کشاورزی کرمان را باید به کلکسیون وعده‌های رویایی مسئولین اضافه کرد.

آیا می‌توان کمبود سالانه یک و نیم میلیارد متر مکعب آب برای بهره‌برداری کارآمد از باغات موجود را با آبی که به گفته مدیر شرکت آب منطقه ای کرمان لیتری ۲ تومان است، تامین کرد؟ آیا پرداخت سالانه سه میلیارد دلار آب بها، اضافه بر هزینه های موجود، برای باغداری استان که فروش فعلی محصول پسته آن کمتر از ۲ میلیارد دلار می باشد توجیه اقتصادی دارد؟ یادآور می شویم که با معیارهای علمی باغبانی، هر هکتار باغ پسته با شیوه آبیاری قطره‌ای نیاز سالانه به حداقل ۱۰۰۰۰ متر مکعب آب دارد. در جلگه رفسنجان با قریب ۱۰۰۰۰۰ هکتار باغ پسته، بهره برداری کارآمد از این باغات نیازمند ۶۰۰ میلیون متر مکعب آب، علاوه بر ورودی فعلی دشت از محل نزولات جوی در کوهستان های مشرف بر این دشت است. قیمت سالانه این آب اضافه، یک میلیارد و دویست میلیون دلار است. آیا با این محاسبه، اجرای مصوبه هیئت وزیران کم خرج تر، واقع گرایانه تر و برای بهره برداران کم عذاب آورتر است یا تحقیر روزانه ایشان در ادارات دولتی با عملیات ایذائی نظیر الزام به تجدید سالیانه پروانه، و سردوانیدن باغدار، کاهش لیتراژ این پروانه ها در زمان مراجعه، قطع برق و افزایش نرخ برق از طریق کاهش قدرت پروانه ها؟ در این میان می خواهند این کشاورز خسته و مستاصل را با رویای ساخت رودخانه های دست ساز به عالم خلسه فرو برند!

شاید لازم باشد که ما گاه گاه از خود بپرسیم که آنچه امروز داریم، از دسترنج پدرانمان به جای مانده و یا حاصل دست یازیدن به منابع متعلق به نسلهای آینده است؟

حمید فیضی
دبیر انجمن پسته ایران